

A Sociological Study of the Relation between Virtual Social Networks and Political Participation

Received: 2022/02/07 Accepted: 2022/05/09

Mohsen Askari Jehaqi¹

Although development of communicative technologies has formed online network communities on the cyberspace and has deeply affected people's individual and social behaviors, there are very few empirical studies of how such newly emerged networks connect and influence the participation behaviors of citizens in political affairs. The present research addresses the following question: can virtual social networks affect students' political participation? The research hypothesis was put to an empirical test through questionnaires presented to students of the University of Qom. The validity of the questionnaire is based on Cronbach's alpha statistic. The data were analyzed through SPSS software under Windows. The statistic population was studied given a division of social networks into horizontal, vertical, and social solidarity, and given five aspects of political participation; that is, electing (first level), political monitoring (second level), being elected (third level), participation and engagement in inner structural reforms (fourth level), and measures taken to bring fundamental changes in political institutions (fifth level). Our findings show that horizontal networks are the most influential, and vertical networks are the least influential in political participations of the users of virtual social networks. The present research is a correlational study, with the method of data collection of the post-event variety.

Keywords: social capital, virtual social networks, horizontal and vertical social networks, political participation.

1. Assistant professor, Islamic Azad University, East Tehran Unit, Tehran, Iran.
(mohsenasgare@yahoo.com)



بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت سیاسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۱۹

محسن عسکری جهقی^۱

اگرچه توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی موجب شکل‌گیری اجتماعات شبکه‌گونه آنلاین در فضای مجازی شده و در رفتارهای فردی و اجتماعی مردم تاثیرات عمیقی گذاشته است، اما تحقیقات تجربی انگشت‌شماری را می‌توان سراغ گرفت که موضوع آن‌ها، بررسی چگونگی پیوند و تاثیر این شبکه‌های نوپدید بر رفتار مشارکت‌جویانه شهروندان در امور سیاسی باشد. پژوهش حاضر به این سوال می‌پردازد که آیا شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند بر مشارکت سیاسی دانشجویان تاثیرگذار باشند؟ فرضیه پژوهش از طریق پرسشنامه در میان دانشجویان دانشگاه قم به آزمون تجربی گذاشته شد. اعتبار پرسشنامه مذکور مبتنی بر آماره آلفای کرونباخ است. داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS تحت محیط ویندوز، تجزیه و تحلیل شدند. با تقسیم شبکه‌های اجتماعی به سه بعد افقی، عمودی و انسجام اجتماعی و در نظر گرفتن پنج وجه از مشارکت سیاسی، یعنی: انتخاب‌کنندگی (سطح یک)، نظارت سیاسی (سطح دوم)، انتخاب‌شوندگی (سطح سوم)، دخالت و مشارکت در اصلاحات درون‌ساختاری (سطح چهارم) و اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادهای سیاسی (سطح پنجم)، جامعه‌ی آماری انتخاب‌شده مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که شبکه‌های افقی دارای بیشترین تاثیر، و شبکه‌های عمودی دارای کم‌ترین تاثیر در مشارکت سیاسی کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند. پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی، و طرح آن با توجه به روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع پس‌رویدادی است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، شبکه‌های اجتماعی افقی و عمودی، مشارکت سیاسی.

بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت سیاسی

۱. مربی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Mohsenasgare@yahoo.com).

مطالعه نوع مشارکت و شیوه‌ی رفتار سیاسی افراد، یکی از محورهای دیرین در جامعه‌شناسی است. مشارکت سیاسی به‌عنوان یک کنش اجتماعی مورد دقت صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی بوده و عوامل و متغیرهای اثرگذار بر آن از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. مشارکت سیاسی، اصلی‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی سیاسی است و پاسخ به نیاز فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن در قالب نهادهای مدنی، اهمیت بسیاری دارد. از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی یکی از حوزه‌های نسبتاً جدیدی هستند که به مطالعه کنش‌های اجتماعی و سیاسی می‌پردازند. از زمانی که پاتنام شبکه‌های اجتماعی را دارای سرمایه و ثروتی درخور توجه و تعیین‌کننده رفتار اجتماعی دانست، این مطالعات روبه فزونی نهادند. جامعه‌شناسان با مطالعه دقیق روابط افراد در درون این موجودیت‌های اجتماعی به این چشم‌انداز رسیده‌اند که می‌توان از طریق مطالعه شبکه‌های اجتماعی، وضعیت جامعه در ساحت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی را بازنمایی کرد. فضای ارتباطی متقابل در این شبکه‌ها بخش مهمی از منابع سرمایه اجتماعی تلقی می‌شوند. اعتماد حاصل از این پیوندها، مهارت‌های مدنی و اجتماعی را تقویت کرده و به‌نوبه خود به ثبات و کارآمدی مردمسالاری‌ها کمک می‌کنند (Putnam و 1993 & 2001).

گسترش پیوندها و تعاملات اجتماعی در فضای سایبری و اینترنتی از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، موجد نوعی سرمایه اجتماعی و بازتولید نتایج آن در فضای حقیقی است. بنابراین ایده به نظر می‌رسد پیوندهای شبکه‌ای مذکور، موقعیت و منابع اطلاعاتی و اجتماعی خاصی را در اختیار اعضای خود قرار می‌دهند؛ به تبع این امر، اشکالی از همکاری‌های اجتماعی و مدنی نیز شکل می‌گیرند. از این منظر، مساله اصلی پژوهش این است که آیا شبکه‌های اجتماعی آنلاین می‌توانند بر مشارکت سیاسی دانشجویان نیز تاثیرگذار باشد؟ چه جنبه‌هایی از رفتار مشارکت‌جویانه آنان در امور سیاسی از این منظر قابل تبیین است؟ در پاسخ به پرسش فوق، این فرضیه قابل پی‌جویی است که سرمایه اجتماعی حاصل از پیوندها و تعاملات افراد در شبکه‌های اجتماعی آنلاین می‌تواند بر میزان مشارکت و رفتار سیاسی شهروندان و دانشجویان اثر مثبت داشته باشد. اثبات این فرضیه، اهمیت شبکه‌های مجازی در ساحت سیاسی را تایید خواهد کرد. برای اثبات فرضیه یادشده ابتدا باید ادبیات و نظریه‌های جامعه‌شناختی تبیین‌کننده رابطه شبکه‌های اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی را بررسی کرده؛ سپس به واکاوی و



سنجش میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان عضو شبکه‌های اجتماعی آنلاین
بپردازیم تا در نهایت بتوانیم رابطه شبکه‌های اجتماعی آنلاین با مشارکت سیاسی
دانشجویان عضو شبکه‌های اجتماعی مجازی را بازنمایی کنیم.

۱- چارچوب مفهومی

۱-۱) شبکه‌های اجتماعی آنلاین

مانوئل کاستلز (Castells) مفهوم شبکه را به‌عنوان پیوندهای به‌هم‌بافته‌شده معنی
می‌کند. این پیوندها توانایی آن را دارند که بدون هیچ نوع محدودیتی گسترش یابند.
مهم‌ترین بستر و زمینه‌ی شکل‌گیری یک شبکه، قواعد و جریان‌های اطلاع‌رسانی آن
است (محمدی، ۱۳۸۴، ص. ۹۲). شبکه اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از پیوندهای ارتباطی
گروهی از افراد، معمولاً واجد یک ویژگی عام به‌نام «احساس تعلق» است. این ویژگی
می‌تواند علاقه به یک گروه هنری، ورزش خاص و یا وابستگی به یک حزب یا گروه
سیاسی خاص باشد. عضویت در شبکه‌های اجتماعی برای افراد مزایایی هم‌چون:
دستیابی آسان و ارزان و گسترده به اطلاعات، برخورداری از سطح وسیع‌تری از حمایت
اجتماعی به‌هنگام نیاز، و دامنه‌ی وسیعی از فرصت‌ها برای همکاری را فراهم می‌کند.

افراد با عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی امکان دستیابی به اطلاعات سایر
اعضا، آشنایی با علایق آن‌ها، به‌اشتراک‌گذاری تولیدات متنی و صوتی و تصویری و نیز
تشکیل گروه‌هایی براساس علایق مشترک با دیگر اعضا را پیدا می‌کنند (رک: صدیق بنای،
۱۳۸۷). در این ساختارهای مجاری، تعاملات و پیوندهای بین فردی و گروهی از طریق
نمادهای دیجیتالی در زمینه‌ی متن، زبان و تصویر و صدا به‌وجود آمده و به‌اشتراک
گذاشته می‌شود. افراد عضو، بدون آن‌که در زمان و فضا با یک‌دیگر سهیم شوند، از طریق
شبکه‌ای از پردازش‌گرها و به‌صورت فیزیکی به یک‌دیگر متصل می‌شوند. تبلور روابط
اجتماعی در منظومه‌هایی به نام شبکه‌های اجتماعی آنلاین، تمهیداتی را در اختیار کاربران
قرار می‌دهد که از یک سو امکان بروز دغدغه‌ها، افکار و عقاید روزانه آن‌ها را فراهم ساخته
و از سوی دیگر امکان ابراز اعتراض، حمایت و همدلی را در یک فضای دوسویه و تعاملی
ایجاد می‌کند. به‌نظر می‌رسد به‌دلیل امکان گمنام و مخفی‌ماندن هویت کاربران،
امکان‌های فراوانی برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در فضای مجازی ایجاد شده
است که می‌تواند مجموعه‌ای از پیروان یا مخالفان یک نظام سیاسی را گرد هم جمع کند.
امروزه مجموعه این ویژگی‌ها مورد استقبال کاربران اینترنتی قرار گرفته است؛ به‌نحوی که





فیس بوک به عنوان بزرگ‌ترین شبکه مجازی در سال ۲۰۲۱؛ بیش از ۲.۸۵ میلیارد نفر عضو از سراسر جهان در خود جای داد (Vuleta، بی‌تا). همچنین تحقیقات نشان‌گر آن است که محبوبیت این شبکه‌ها در سراسر جهان به‌نحو چشم‌گیری در حال افزایش است (ضیایی پرور و عقیلی، ۱۳۸۸، صص. ۲۷-۲۸).

فناوری صفحات وب، شبکه اجتماعی فیس بوک، اینستاگرام، تلگرام، واتس‌آپ، کلاب هاوس و ... در شبکه‌ای جهانی و پیچیده به نام اینترنت تمام شئون زندگی انسانی را تحت تاثیر قرار داده است. سرعت بالای انتقال اطلاعات و غلبه بر محدودیت‌های فیزیکی، فرهنگی و سیاسی، شبکه‌های اجتماعی آنلاین را از حیث تاثیراتی که بر زندگی سیاسی افراد می‌گذارند، حائز اهمیت و مطالعه بیش‌تر کرده است. این شبکه‌های مجازی امروزه به فضای عمومی برای عرضه انواع مطالبات، خواسته‌ها و ارزش‌های انسانی و مدنی از جمله دموکراسی و آزادی‌خواهی تبدیل شده‌اند. سرمایه‌بازتولیدی آن‌ها ارتباطات سیاسی را تسهیل کرده و بر کنش مشارکت‌جویانه کاربران آن‌ها تاثیرات عمیقی گذاشته است. این از آن‌جایی که کنترل و سانسور شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی آسان نیست، این ویژگی می‌تواند زنگ خطری برای نظام‌های توتالیتر و غیردموکراتیک محسوب شود. برای مثال؛ تحولات خاورمیانه در سال‌های اخیر نشان می‌دهد جنبش‌های اجتماعی به‌طرز قابل توجهی با شبکه‌های اجتماعی آنلاین پیوند خورده‌اند. جنبش‌های اجتماعی که به یاری امکانات شبکه‌های آنلاین رشد و گسترش پیدا می‌کنند، حتی اگر فضای متعارف سیاسی آن‌ها را به رسمیت نشناسد، با مفاهیم و راه‌حل‌هایی چون انسداد سیاسی و پوپولیسم و فیلترینگ محدود و سرکوب نمی‌شوند.

یکی از موضوعاتی که در سایه شبکه‌های آنلاین قابل مطالعه است، تفاوت آن‌ها با انواع شبکه‌های اجتماعی کلاسیک یا حقیقی است. به‌طور کلی شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر روابط آنلاین، بر بستر جریان‌ات اطلاعاتی شکل می‌گیرند و متکی و مبتنی بر تکنولوژی و ابزارهای اطلاعاتی و ملزومات الکترونیکی هستند. به دلیل طبیعت متغیر و پویای اینترنت، شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی برخلاف روابط چهره‌به‌چهره، مستقیم و بادوام و باثبات نیست. صاحب‌نظران بر این باورند که شبکه‌های اجتماعی مجازی اساساً اجتماعاتی غیرشفاهی هستند که اطلاعات متنی و زمینه‌ای بسیار کم‌تری را به تعاملات حقیقی منتقل می‌کنند (Sajuria, 2013). به‌علاوه، مراجعه افراد به شبکه‌های مجازی گاهی جنبه تفریحی و انفرادی دارد، نه لزوماً کسب و جست‌وجوی اطلاعات و برقراری پیوندهای گروهی و اجتماعی (Morozov, 2011). به‌گفته‌ی استول (۱۹۹۵)، گمنامی و قابلیت تبادلی

محیط اینترنت باعث می‌شود برخی با هویت جعلی به برقراری رابطه بپردازند. شبکه‌های مذکور نه تنها ابزارهای جدید ارتباطی، بلکه منابع جدید جامعه‌پذیری محسوب می‌شوند و می‌توانند در کنار روابط چهره‌به‌چهره و رودرو، تکمیل‌کننده‌ی پیوندهای اجتماعی باشند (Pénard & Pous, 2009, p.89).

۲-۱) مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی عبارت است از درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی (راش، ۱۳۷۷، ص. ۱۲۲). در دیدگاه هانتینگتون، مشارکت سیاسی به «فعالیت شهروندان خصوصی به‌منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی دولت» (هانتینگتون، ۱۳۷۳، ص. ۷۷) معنا می‌شود. آنتونی گیدنز در بحث مشارکت سیاسی، به مردم‌سالاری مشارکتی اشاره نموده و آن را نظامی دانسته است که در آن، تصمیمات به‌طور جمعی توسط کسانی گرفته می‌شود که این تصمیمات بر زندگی‌شان تأثیرگذار است (گیدنز، ۱۹۹۱، ص. ۸۶). ابرکرامبی معتقد است شرکت در فرایندهای سیاسی که به‌گزینه‌ش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و یا بر آن اثر می‌گذارد، مشارکت سیاسی نامیده می‌شود (ابراکرامبی، ۱۳۶۷، ص. ۲۸۶). به بیان دیگر، فعالیت اجتماعی داوطلبانه افراد یک جامعه، که افراد در آن احساس می‌کنند مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی و یا انتخاب رهبران مشارکت دارند، ذیل مفهوم مشارکت سیاسی در نظر گرفته می‌شود (مک‌کلاسی، ۱۹۶۸، ص. ۲۴۹).

به‌طور کلی، محققان سیاسی هرکدام در رتبه‌بندی‌های خاص مشارکت سیاسی به مواردی اشاره می‌کنند که از پایین‌ترین سطوح، مثل رأی‌دادن و علاقه‌مندی نسبت به مسایل سیاسی شروع می‌شود و تا دخالت جدی در پُست‌های سیاسی و احياناً تغییرات بنیادین در ساختار حاکمیت ادامه پیدا می‌کند. در یک جمع‌بندی اگر بخواهیم به‌ترتیب اهمیت از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح مشارکت سیاسی را طبقه‌بندی کنیم، از پنج سطح باید نام ببریم:

سطح یک؛ رأی‌دادن و شرکت در گزینش و انتخاب مسئولین سیاسی و اجتماعی.

سطح دوم؛ آزادی بیان و شرکت در تشکل‌های فعال سیاسی و نقد و ارزیابی عملکرد نهادها، مسئولین و ساختار حکومتی.

سطح سوم؛ نامزد شدن جهت کسب پُست‌ها و کرسی‌های سیاسی و فعالیت آزاد

انتخاباتی.

سطح چهارم؛ دخالت و مشارکت در تغییرات و اصلاحات درون‌ساختاری.

سطح پنجم؛ اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادهای سیاسی.

۲- رابطه «شبکه اجتماعی آنلاین» و «مشارکت سیاسی»

تیین تئوریک رابطه شبکه‌های اجتماعی آنلاین و تاثیر احتمالی آن‌ها بر کنش افراد و ترغیب ایشان نسبت به مشارکت سیاسی، هدف اصلی مقاله است. در این رابطه انتظار می‌رود تئوری‌های مربوط به شبکه‌های اجتماعی آنلاین نشان دهند که بازیگران و کنش‌گران زمانی که درون یک شبکه‌ی اجتماعی احاطه می‌شوند، چه رفتارهای سیاسی از خود بروز می‌دهند و چگونه؟ اما آن‌چه در مورد ادبیات مذکور مطالعه گردید، نشان می‌دهد در مورد تاثیر شبکه‌های اجتماعی آنلاین بر مشارکت سیاسی نمی‌توان نظریاتی کم‌وبیش یکسان ارائه کرد. سابقه چنین مسأله‌ای را آلموند و وربا (۱۹۶۳) در کتاب «فرهنگ مدنی» با بررسی تاثیر انجمن‌های داوطلبانه بر روی فعالیت سیاسی شهروندان بنیان نهادند. گسترش این دست مطالعات در دهه‌ی هفتاد میلادی توسط وربا و نای؛ پژوهشگران دیگری از قبیل پاری (۱۹۹۲)، پترسون (۱۹۹۸) و سیلگسون (۱۹۹۹) را متوجه پژوهش در مورد رفتار سیاسی و عوامل دخیل بر آن نمود.

مطالعه زندگی روزمره افراد نشان می‌دهد که تصمیمات میان‌گروهی و جمعی در محیط‌هایی با «سطوح خرد» باعث می‌شوند همانند نوعی «مدرسه مردم‌سالاری» عمل کرده و تجاربی را برای افراد فراهم کنند که در رفتارهای سیاسی منعکس می‌شود. در همین زمینه شواهد بیان‌گر این مدعاست که میان مهارت‌های مدنی نهفته در سازمان‌ها و انجمن‌ها با رفتار سیاسی در جوامع، مخصوصاً جوامع بزرگ، ارتباط نزدیکی وجود دارد (Verba et al, 1995, p.309). بنابراین، انجمن‌های داوطلبانه نقش آموزشی و توسعه مهارت‌های مدنی شهروندان را بر عهده دارند.

نظریات جدید نیز از یک منظر مشترک و به‌مثابه سرمایه اجتماعی با این مسأله روبه‌رو شده‌اند. به‌عبارت‌دیگر آن‌چه در مورد شبکه‌های اجتماعی حائز اهمیت است، امکان بازنمایی سرمایه‌ی اجتماعی در آن‌هاست. آن‌چه پیش‌فرض یک کنش مشارکت‌جویانه لحاظ می‌شود، وجود اعتماد و حس همکاری در پیوندهای اجتماعی است و شبکه‌های اجتماعی یکی از راه‌های شناخت، ایجاد و یا سلب اعتماد افراد از دیگران محسوب می‌شوند. بدین ترتیب مفاهیم اعتماد و همکاری اجتماعی، بدون وجود شبکه‌های اجتماعی





از معنا تهی می‌شوند؛ از این رو به نظر می‌رسد شبکه‌ها مهم‌ترین بعد سرمایه‌ی اجتماعی را در قلب خود دارند (محمدی، ۱۳۸۴، ص. ۱۰). هم‌چنین منظرگاه سرمایه اجتماعی به موضوع شبکه‌های آنلاین این اجازه را می‌دهد که مشخص گردد روابط افقی و عمودی که در داخل شبکه‌ها ایجاد می‌شوند، چگونه می‌توانند منابع را بسیج کرده و یا همان‌طور که کلمن آن را برجسته کرده است (۱۹۸۸)، چه مقدار سرمایه از طریق اتصالات و تعاملات آنلاین اجتماعی می‌توان اندوخت و در جهت مشارکت مدنی و سیاسی افراد به کار برد.

مهم‌ترین نظریه‌ای که به ارتباط بین این دو متغیر می‌پردازد، ایده پاتنام است. براساس دیدگاه او (۱۹۹۳ و ۲۰۰۱)، شبکه‌هایی که توسط افراد ایجاد می‌شوند و بر اساس اعتماد و هنجارهای متقابل عمل می‌کنند، سازنده و حافظ دموکراسی هستند. در جوامعی که افراد از طریق مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه با یک‌دیگر در تعامل هستند، سطوح بالایی از دموکراسی و ثبات سیاسی را به نمایش می‌گذارند. پیامد این امر، آگاهی بالای سیاسی این افراد در رخدادهای مختلف سیاسی است و علاقه‌ی بسیار زیادی به درگیری در فرایندهای سیاسی نشان می‌دهند. نکته مهم این است که پاتنام از جمله کسانی است که استدلال می‌کند شبکه‌های اجتماعی آنلاین نمی‌توانند به‌عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی به اعتماد، همکاری و مشارکت سیاسی منتهی شوند و تعاملاتی که در فضای مجازی رخ می‌دهد، نمی‌تواند به رشد و تقویت سرمایه اجتماعی کمک کند (Putnam, 1995, Stoll & 1993)؛ زیرا معتقد است پیامد رفت‌وآمد گمنام در فضای مجازی، فقدان مسئولیت و تعهد اجتماعی است و رسیدن به اجماع در بین کاربران شبکه‌های مجازی به‌سختی صورت می‌پذیرد و احساس انسجام کم‌تری در پی خواهد داشت. لذا سرمایه اجتماعی متضمن یک واقعیت فیزیکی است؛ درحالی‌که پیوندهای مجازی در مواجهه با گمنامی و حقه‌بازی بسیار آسیب‌پذیر بوده و سخت می‌توان بر مبنای آن اعتماد کرد (موتقی گیلانی و عطارزاده، ۱۳۹۱، صص. ۱۵۹-۱۶۰). در این چشم‌انداز، شبکه‌های سنتی و چهره‌به‌چهره مطلوب‌تر بوده و این استدلال وجود دارد که اینترنت پیوندهای ضعیف شبکه‌ای را تقویت کرده و هم‌زمان تعاملات خارج از شبکه یا چهره‌به‌چهره را کاهش می‌دهد (Larose et al., 2001).

در مقابل، تعداد زیادی از صاحب‌نظران بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ساماندهی و برانگیختن کنش‌های سیاسی مشارکت‌جویانه تأکید دارند و شیوه‌های جدید ارتباطی را متضمن تولید سرمایه اجتماعی تبیین کرده‌اند (Levy, 1997). طرفداران این



رویکرد با مبنای قرارداد استدلالات گرانووتر (۱۹۷۳) معتقدند که شبکه‌های مجازی ارتباطات شبکه‌ای و غیرشبکه‌ای را گسترش داده است (Rheingold, 2001). به بیان دیگر، همان‌گونه که گرانووتر، روابط فامیلی و دوستانه و صمیمی را به پیوندهای قوی، و روابط مبتنی بر آشنایی و همکاری را به پیوندهای ضعیف تقسیم نمود؛ برخی معتقدند که روابط موجود در شبکه‌های اجتماعی آنلاین، متضمن تقویت هر دو گونه پیوند است. زیرا فعالیت‌های اجتماعی در این شبکه‌ها می‌تواند به تحکیم و تقویت پیوندهای اجتماعی نظیر نزدیک‌تر شدن روابط خانوادگی و دوستی‌های صمیمانه منجر شود و به حفظ و ایجاد روابط مبتنی بر آشنایی مجازی کمک نماید (Pénard & Poussing, 2009). بدین ترتیب فعالیت‌های اجتماعی در اینترنت می‌تواند با تقویت روابط ضعیف و قوی، سرمایه‌ی اجتماعی را تقویت و گسترش داده و در جلب حمایت و کمک‌های عاطفی از طریق پیوندهای قوی خانوادگی و صمیمانه به کاربران کمک نماید. همچنین دسترسی آنان به ایده‌های جدید و منابع کمیاب را از طریق ایجاد و گسترش پیوندهای ضعیف با آشنایان اینترنتی تسهیل نماید (۱۳۸۴ و Granovetter, 1973). در این صورت، شبکه‌های مجازی با افزایش تماس میان فردی در دنیای حقیقی و همچنین مشارکت مدنی و سیاسی و تعهد اجتماعی همراه است؛ زیرا تقویت و گسترش پیوندهای قوی و ضعیف به بهبود اعتماد، همکاری و انسجام بین فردی و گروهی و اجتماعی می‌انجامد. شواهد تجربی نیز این مساله را تایید کرده است. نمونه مطالعات کاتز و همکارانش (2001) نشان می‌دهد که کاربران اینترنتی به‌طور چشم‌گیر و زیادی با سازمان‌های داوطلبانه درگیر هستند؛ همچنین تحقیقات گویای این است که کسانی که سرمایه‌ی تعهد به اجتماع و سرمایه‌ی مشارکتی بالایی دارند، معمولاً از اینترنت برای برقراری ارتباط با دیگران به‌ویژه هم‌فکران زیاد بهره می‌برند (Wellman, 2002, p.163؛ Valenzuela et al, 2012؛ Reuter et al, 2018, p.780).

در این راستا فعالیت‌های دنیای مجازی در راستای فعالیت‌های دنیای حقیقی به کار گرفته می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از کنش‌ها و فعالیت‌های افراد در جهان مجازی، با رفتارها، ارتباطات، فعالیت‌ها و انتخاب‌های آنان در دنیای واقعی همبستگی و هم‌خوانی دارد (موسوی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۲ و Rheingold, 1993).

«آگاهی بخشی سیاسی» مهم‌ترین کارکرد شبکه‌های اجتماعی آنلاین در جذب و فعال‌سازی کنش مشارکت‌جویانه افراد در امور سیاسی است. در این راستا ولمن و کوان هاس استدلال می‌کنند که فناوری اینترنت و شبکه‌های اجتماعی زاده آن، با شکستن



مرزهای فضا و زمان، تحولات عظیمی در تعاملات اجتماعی و مشارکت‌های مدنی ایجاد کرده است، به نحوی که انعکاسی از منافع اجتماعی را می‌توان در آن ملاحظه کرد (Quan-Hasse & Wellman, 2002, p.2). به نظر می‌رسد فراهم شدن زمینه و فضای آزاد ملاقات، گفت‌گو و مشورت برای افراد دارای علایق مشترک، در کنار کاهش هزینه‌های ارتباطی و سرعت بخشیدن به تبادل اطلاعات بین فردی و گروهی، می‌تواند در آگاهی بخشی از نیازمندی‌ها و مطالبات سیاسی و اجتماعی افراد نقش مهمی داشته و به سهم خود، ارتباطات رودرروی افراد و حتی مشارکت‌های مدنی آنان را افزایش دهد. از آن جاکه درون‌مایه اصلی این شبکه‌ها، اطلاعات و آگاهی است، می‌تواند افراد را نسبت به موضوعات سیاسی مطلع کرده و آنان را درگیر مناسبات سیاسی و حتی تحولات سیاسی نماید. به ویژه آن که شبکه‌های اجتماعی امکاناتی را فراهم می‌کنند که هزینه‌های مشارکت را کاهش می‌دهند (lake & Huckfeldt, 1998, p.71).

دلیل دیگر میل افراد به مشارکت مدنی و سیاسی در شبکه‌های اجتماعی مجازی، تکثر حضور افراد در این محیط است که زمینه و پشتوانه‌ی انتقال اطلاعات و بسط و مشارکت در آن را فراهم می‌نماید. اساساً در شبکه‌های مجازی، نوع سرمایه اجتماعی، برون‌گروهی است و حجم اطلاعات جاری میان افراد آن بالاست؛ شرایطی که افراد را به اظهار نظر سیاسی و خروج از بی‌تفاوتی سیاسی ترغیب می‌نماید. براساس استدلال وربا و همکارانش (۱۹۹۵) سه عامل موجب عدم شرکت در فعالیت‌های سیاسی می‌شود: «افراد نمی‌توانند، آن‌ها نمی‌خواهند و یا این که کسی از آن‌ها نمی‌خواهد» (Verba et al, 1995, P. 569). به نظر می‌رسد شبکه‌های برخط، از طریق رفع عامل سوم می‌توانند افراد را ترغیب به فعالیت سیاسی نمایند.

مطالعه وربا و همکاران او (۱۹۹۳) در کنار افزایش اطلاعات و تمایل به اظهار نظر سیاسی، به کارکرد «بسیج سیاسی» در شبکه‌های اجتماعی در جلب مشارکت سیاسی افراد نیز توجه می‌شود. اساساً افراد از طریق مشارکت داوطلبانه در شبکه‌های اجتماعی، نه تنها در معرض پیام‌ها و بحث‌های سیاسی قرار می‌گیرند، بلکه این شبکه‌ها به عنوان زمینه‌ای برای جذب افراد در بسیج سیاسی عمل می‌کنند (Verba et al, 1993, p.457). ماهیت کنترل‌ناپذیر شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی و توانایی پایین دولت‌ها در سانسور اطلاعات جاری در آن، این محیط را بستر مناسبی برای بسط و گسترش مشارکت سیاسی در شکل اعتراضات اجتماعی و سیاسی کرده و در این چارچوب، وظیفه‌اش انتقال



نمادهای اعتراضی و تحریک احساسات و دامن زدن به کنش‌های اعتراضی است. بی‌دلیل نیست که برخی پژوهشگران، فضای مجازی را پاسخی به فضای بسته سیاسی و تسهیل‌کننده دموکراسی‌سازی توصیف می‌کنند؛ زیرا از طریق تسهیل تعاملات و مراودات عمومی و نیز تأمین ابزارهای سازمان‌دهی، عامل دموکراسی‌سازی و تغییر و تحول نهادهای دموکراتیک و سیاسی (Cottle, 2011, p.651) و بیان مطالبات خاموش و گمنام در زندگی سیاسی شود. نقش شبکه‌های مجازی در اطلاع‌رسانی و هدایت و بسیج سیاسی شهروندان تونس و مصری، و نیز بسط و گسترش جنبش اشغال وال استریت از آمریکا به اروپا، از شواهد اخیر این مدعاست (رک: آقایی و همکاران، ۱۳۹۱؛ موثقی گیلانی و عطارزاده، ۱۳۹۱ و Eltantawi & Wiest, 2011).

۳- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در جهت تقویت یافته‌های بخش نظری، پژوهش حاضر بر آن است تا در یک مطالعه‌ی پیمایشی، کاربرد نظریات فوق را ارزیابی کند. جامعه آماری پژوهش، کلیه‌ی دانشجویان ۱۸ تا ۳۰ ساله‌ی دانشگاه قم بوده‌اند. تعداد نمونه براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت برآورد $d=0.05$ و حداکثر واریانس $s^2 = pq$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۰۰ نفر تعیین شده، که به دلیل زایل شدن پاره‌ای از پرسش‌نامه‌ها هنگام گردآوری داده‌ها و عدم امکان استفاده از آن‌ها، ۲۴۸ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳-۱) پرسش‌نامه‌ی مشارکت سیاسی

در این پژوهش، پرسش‌نامه مشارکت سیاسی در پنج سطح تنظیم شده است: سطح نخست، انتخاب‌کنندگی؛ سطح دوم، مشارکت در نظارت سیاسی؛ سطح سوم، انتخاب‌شوندگی؛ سطح چهارم، مداخله و مشارکت در اصلاحات و تحولات درون‌ساختاری؛ و سرانجام سطح پنجم، اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادهای سیاسی. پرسش‌نامه مشارکت سیاسی بر اساس سطوح پنج‌گانه‌ی فوق به ۲۰ سوال تقسیم‌بندی شده و هر کدام از پنج سطح دارای چهار سوال است. سوالات این پرسش‌نامه در یک طیف پنج‌قسمتی (کاملاً مخالف: ۱، مخالف: ۲، بینابین: ۳، موافق: ۴ و کاملاً موافق: ۵) بر اساس سیستم لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. شیوه بررسی پایایی پرسش‌نامه نیز از روش اجرای مجدد و هماهنگی درونی استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای سنجه کلی مشارکت سیاسی ۰/۸۵ محاسبه شده است.

۳-۲) پرسش نامه شبکه اجتماعی مجازی

برای سنجش شبکه اجتماعی مجازی، در این بخش از نوع سنج لیکرت بهره می‌بریم و پرسش نامه نیز محقق ساخته شبکه اجتماعی آنلاین و دارای ۱۵ سوال است. پس از انجام مراحل اطمینان‌آور اولیه، بر روی یک گروه ۴۰ نفری به صورت آزمایشی به اجرا گذاشته شد. ضرایب پایایی این مقیاس به روش کرونباخ $0/79$ درصد بود. در راستای افزایش دقت بر اساس مدل پوتنام (۲۰۰۰) و هم‌چنین با توجه به شرایط جامعه‌ی ایران، شبکه اجتماعی به سه بعد شبکه‌های اجتماعی افقی، شبکه‌های اجتماعی عمودی و انسجام اجتماعی تقسیم شدند. در سطح افقی به رابطه با اعضای خانواده، دوستان صمیمی، ارتباط در مجموعه‌ای شغلی، ارتباطات در سطح محله تاکید می‌شود؛ در این سطح فرد با نهادهایی نظیر نهادهای ورزشی، گروه‌های اجتماعی، باشگاه‌ها، هیئت‌های مذهبی، مساجد و ... ارتباط می‌گیرد. سطح افقی به روابط فرد با نهاد قدرت مرتبط می‌شود؛ یعنی ارتباط فرد با طبقات مختلف اجتماعی، روابط فرد و ساختار سیاسی حاکم و نهادهای رسمی و حکومتی و ... تعریف می‌شود.

۴- یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش بر اساس مقیاس‌های تعریف شده در پژوهش در «ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی»، «ابعاد شبکه‌های اجتماعی را با سطوح مختلف (پنج سطح) مشارکت سیاسی» ارائه می‌شوند. در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان را در هر یک از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی نشان داده شده است. میانگین مشارکت سیاسی افراد در سطوح یک تا پنج به ترتیب 17.04 و 14.87 ، 12.06 ، 10.39 و 7.36 به دست آمده است. بر این اساس، میزان سطح یک مشارکت سیاسی یعنی رای دادن و شرکت در انتخابات در میان دانشجویان، بیش‌ترین؛ و سطح پنج مشارکت سیاسی یعنی اقدام برای تغییر بنیادین ساختار نظام سیاسی، کم‌ترین میزان مشارکت سیاسی را دارا هستند. در پرسش‌نامه شبکه اجتماعی، میانگین ابعاد افقی و عمودی و انسجام اجتماعی به ترتیب 18.03 ، 11.43 و 14.65 است که نشان می‌دهد بالاترین میزان شبکه‌ی اجتماعی دانشجویان مربوط به بعد شبکه‌های افقی است.





متغیر مستقل	میانگین	انحراف معیار	متغیر وابسته	میانگین	انحراف معیار
شبکه‌های افقی	۱۸.۰۳۲۳	۳.۹۱۷۰۳	سطح یک مشارکت	۱۷.۰۴۴۴	۲.۱۱۰۳۳
شبکه‌های عمودی	۱۱.۴۳۹۵	۳.۸۷۳۲۳	سطح دو مشارکت	۱۴.۸۷۹۰	۲.۹۴۴۹۶
انسجام اجتماعی	۱۴.۶۵۷۳	۲.۸۹۱۶۷	سطح سه مشارکت	۱۲.۰۶۰۵	۳.۹۵۱۷۷
			سطح چهار مشارکت	۱۰.۳۹۵۲	۳.۶۷۴۶۶
			سطح پنج مشارکت	۷.۳۶۶۹	۲.۹۳۳۷۳

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت کنندگان

در هر یک از ابعاد شبکه اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی

در جدول ۲ همبستگی ساده‌ی ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطوح مشارکت سیاسی ارائه می‌شود. همبستگی همه‌ی ابعاد شبکه‌های اجتماعی با ابعاد مشارکت سیاسی در سطح $(p < 0/01)$ رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد. بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه‌ی ابعاد شبکه‌های اجتماعی افقی با سطح اول مشارکت سیاسی است، ولی کم‌ترین میزان همبستگی مربوط به رابطه‌ی انسجام اجتماعی با سطح دوم مشارکت سیاسی می‌باشد.

متغیر	سطح یک مشارکت	سطح دو مشارکت	سطح سه مشارکت	سطح چهار مشارکت	سطح پنج مشارکت
شبکه‌های افقی	۰.۷۸۰**	۰.۶۵۰**	۰.۷۶۰**	۰.۶۹۵**	۰.۶۵۹**
شبکه‌های عمودی	۰.۵۹۷**	۰.۵۹۹**	۰.۶۳۴**	۰.۶۲۲**	۰.۵۶۳**
انسجام اجتماعی	۰.۵۲۶**	۰.۵۰۶**	۰.۶۵۰**	۰.۵۸۵**	۰.۵۶۹**

** Correlation is significant at; $P < 0/01$

جدول ۲. همبستگی ابعاد سرمایه اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی

در جدول شماره ۳ معادله‌ی رگرسیون، رابطه‌ی میان ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح اول مشارکت سیاسی تبیین می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار ضریب همبستگی چندگانه‌ی میان متغیرهای مستقل مذکور و سطح یک مشارکت برابر ۰.۸۰ است. مقدار ضریب تعیین ۰.۶۴ بیان‌کننده‌ی تبیین ۶۴ درصد از واریانس متغیر وابسته با ابعاد شبکه‌های اجتماعی پاسخ‌گویان در جمعیت نمونه است. مقدار ضرایب بتا نشان می‌دهد که تمامی ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح اطمینان ۹۹

درصد بر روی سطح اول مشارکت سیاسی تاثیر مثبت داشتند؛ به عبارت دیگر به هر میزان ابعاد شبکه‌های اجتماعی بالاتر می‌رود، به میزان سطح اول مشارکت سیاسی افزوده می‌شود. در این راستا نتایج نشان می‌دهد که شبکه‌های افقی با ضریب ۰.۶۲ بیش‌ترین تاثیر را داشته است.

سطح معناداری	t	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	متغیر پیش بین	متغیر ملاک
		B	خطای استاندارد			
۰.۰۰۰	۱۲.۵۲۵	۰.۲۳۸	۰.۰۱۹	۰.۶۲۵	شبکه‌های افقی	سطح اول مشارکت
۰.۰۰۴	۲.۹۳۱	۰.۰۵۸	۰.۰۲۰	۰.۱۵۱	شبکه‌های عمودی	
۰.۰۱۰	۲.۵۹۴	۰.۰۷۲	۰.۰۲۸	۰.۱۲۳	انسجام اجتماعی	
۰.۰۰۰	F=145.9 9	Adjusted R Square=0.63		R Square=0.64	R=0.80	

جدول ۳. نتایج مدل رگرسیون به‌ازای رابطه ابعاد شبکه‌های اجتماعی

با سطح اول مشارکت سیاسی

در جدول شماره ۴ معادله رگرسیون رابطه میان ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح دوم مشارکت سیاسی نشان داده می‌شود. مقدار ضریب همبستگی چندگانه‌ی میان متغیرهای مستقل مذکور و سطح دوم مشارکت برابر ۰.۷۰ است. مقدار ضرایب بتا نشان می‌دهد که تمامی ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح اطمینان ۹۹ درصد بر روی سطح دوم مشارکت سیاسی تاثیر مثبت داشته‌اند؛ به عبارت دیگر به هر میزان ابعاد شبکه‌های اجتماعی بالاتر می‌رود، به میزان سطح دوم مشارکت سیاسی افزوده می‌شود. در این راستا نتایج نشان می‌دهند که شبکه‌های افقی با ضریب ۰.۴۱ بیش‌ترین تاثیر را داشته است.



سطح معناداری	T	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	متغیر پیش بین	متغیر ملاک
		B	خطای استاندارد			
۰.۰۰۰	۷.۰۱۰	۰.۲۷۵	۰.۰۳۹	۰.۴۱۲	شبکه‌های افقی	سطح دوم مشارکت
۰.۰۰۰	۴.۴۲۵	۰.۱۸۱	۰.۰۴۱	۰.۲۶۸	شبکه‌های عمودی	
۰.۰۰۹	۲.۶۴۰	۰.۱۴۸	۰.۰۵۸	۰.۱۵۲	انسجام اجتماعی	
۰.۰۰۰	F=82.38	Adjusted R Square=0.49		R Square=0.50	R=0.70	

جدول ۴. نتایج مدل رگرسیون به‌ازای رابطه ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح دوم مشارکت سیاسی

در جدول شماره ۵ معادله رگرسیون رابطه میان ابعاد شبکه‌های اجتماعی را با سطح سوم مشارکت سیاسی به تصویر می‌کشد. براساس این جدول مقدار ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرهای مستقل مذکور و سطح سوم مشارکت مساوی با ۰.۸۲ است. ازسوی دیگر مقدار ضرایب بتا نشان می‌دهد که تمامی ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح اطمینان ۹۹ درصد بر روی سطح سوم مشارکت سیاسی تاثیر مثبت داشتند؛ به‌عبارت‌دیگر به‌هرمیزان ابعاد شبکه‌های اجتماعی بالاتر می‌رود، به میزان سطح سوم مشارکت سیاسی افزوده می‌شود. در این راستا نتایج نشان می‌دهد که شبکه‌های افقی با ضریب ۰.۵۰ بیش‌ترین تاثیر را داشته است.

سطح معناداری	t	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	متغیر پیش بین	متغیر ملاک
		B	خطای استاندارد			
۰.۰۰۰	۱۰.۸۴۹	۰.۵۱۵	۰.۰۴۷	۰.۵۰۹	شبکه‌های افقی	سطح سوم مشارکت
۰.۰۰۱	۳.۳۳۵	۰.۱۶۵	۰.۰۵۰	۰.۱۶۱	شبکه‌های عمودی	
۰.۰۰۰	۶.۷۴۵	۰.۳۰۱	۰.۰۷۰	۰.۴۷۰	انسجام اجتماعی	
۰.۰۰۰	F=176.43	Adjusted R Square=0.68		R Square=0.68	R=0.82	

جدول ۵. نتایج مدل رگرسیون به‌ازای رابطه ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح سوم مشارکت سیاسی

در جدول شماره ۶ معادله‌ی رگرسیون رابطه میان ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح چهارم مشارکت سیاسی بررسی می‌شود. مقدار ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرهای مستقل مذکور و سطح چهارم مشارکت برابر ۰.۷۶ است. از سوی دیگر، مقدار ضرایب بتا نشان می‌دهد که تمامی ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح اطمینان ۹۹ درصد بر روی سطح چهارم مشارکت سیاسی تاثیر مثبت داشتند؛ به عبارت دیگر به هر میزان ابعاد شبکه‌های اجتماعی بالاتر می‌رود، به میزان سطح چهارم مشارکت سیاسی افزوده می‌شود. در این راستا نتایج نشان می‌دهد که شبکه‌های افقی با ضریب ۰.۴۳ بیش‌ترین تاثیر را داشته‌اند.

سطح معناداری	T	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	متغیر پیش بین	متغیر ملاک
		B	خطای استاندارد			
۰.۰۰۰	۸.۰۸۲	۰.۵۴۸	۰.۰۶۸	۰.۴۳۵	شبکه‌های افقی	سطح چهارم مشارکت
۰.۰۰۰	۴.۱۳۰	۰.۲۹۳	۰.۰۷۱	۰.۲۲۹	شبکه‌های عمودی	
۰.۰۰۰	۴.۶۱۴	۰.۴۶۰	۰.۱۰۰	۰.۲۳۷	انسجام اجتماعی	
۰.۰۰۰	F=113. 96	Adjusted R Square=0.57		R Square=0.58	R=0.76	

جدول ۶. نتایج مدل رگرسیون به‌ازای رابطه ابعاد شبکه‌های اجتماعی

با سطح چهارم مشارکت سیاسی

در جدول شماره ۷ معادله‌ی رگرسیون رابطه‌ی میان ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح پنجم مشارکت سیاسی به تصویر کشیده می‌شود. مقدار ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرهای مستقل مذکور و سطح پنجم مشارکت برابر ۰.۷۲ است. از سوی دیگر مقدار ضرایب بتا نشان می‌دهد که تمامی ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح اطمینان ۹۹ درصد بر روی سطح پنجم مشارکت سیاسی تاثیر مثبت داشتند؛ به عبارت دیگر به هر میزان ابعاد

شبکه‌های اجتماعی بالاتر می‌رود، به میزان سطح پنجم مشارکت سیاسی افزوده می‌شود. در این راستا نتایج نشان می‌دهد که شبکه‌های افقی با ضریب ۰.۴۲ بیش‌ترین تاثیر را داشته‌اند.

سطح معناداری	t	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	متغیر پیش بین	متغیر ملاک
		B	خطای استاندارد			
۰.۰۰۰	۷.۴۰۹	۰.۲۸۴	۰.۰۳۸	۰.۴۲۸	شبکه‌های افقی	سطح پنجم مشارکت
۰.۰۰۷	۲.۷۰۰	۰.۱۶۰	۰.۰۴۰	۰.۱۰۸	شبکه‌های عمودی	
۰.۰۰۰	۴.۷۶۸	۰.۲۶۲	۰.۰۵۶	۰.۲۶۸	انسجام اجتماعی	
۰.۰۰۰	F=88.64	Adjusted R Square=0.51		R Square=0.52	R=0.72	

جدول ۷. نتایج مدل رگرسیون به‌ازای رابطه ابعاد شبکه‌های اجتماعی با سطح پنجم مشارکت سیاسی

۵- پیشنهادهای راهبردی

با توجه به بحث‌های ارائه‌شده می‌توان سه پیشنهاد راهبردی زیر را به سیاست‌گذاران فضای مجازی و مجریان حاکمیتی ارائه داد:

- اهتمام سیاست‌گذار به شبکه‌های افقی: با توجه به این که شبکه‌های افقی بیش‌ترین تاثیر را بر میزان مشارکت سیاسی دارد، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذار در سیاست‌گذاری این شبکه‌ها را در اولویت قرار دهد و درگام نخست فهم و تحلیل درست این شبکه‌ها می‌بایست مورد اهتمام باشد.

- لزوم توجه به کنترل‌گری حداقلی حاکمیت بر فضای مجازی: در فضایی که حاکمیت کنترل حداقلی بر آن دارد، ساز و نوای مشارکت سیاسی از نوع غیررسمی و اعتراضی



بیش تر شنیده خواهد شد و افراد برای آن تشویق و ترغیب و گاهی تحریک می‌شوند. این در حالی است که گاهی این جهت‌گیری رفتاری می‌تواند بر اساس اطلاعات تحریف‌شده، غلو شده و حاشیه‌ای بنا گردد و هزینه‌های متعددی را بر نظم و انسجام اجتماعی وارد سازد. - ضرورت شفافیت در ارائه‌ی اطلاعات از سوی حاکمیت با هدف کاهش مشارکت منفی و یا تخریبی در فضای مجازی: مشارکت سیاسی در شبکه‌های مجازی صرفاً مشارکت مثبت نیست، بلکه مشارکت منفی را نیز دربر می‌گیرد. به‌دیگر بیان، علی‌رغم مزایای بیان شده در پژوهش فوق، گاهی این حجم از مشارکت سیاسی، مطلوب یک نظام سیاسی نیست؛ چراکه حضور در شبکه‌های مجازی بستری برای انجام نه‌تنها انواع رسمی و مشروع مشارکت مدنی است، بلکه سطوحی از مشارکت را دربر می‌گیرد که براندازی و بی‌نظمی مدنی را دنبال می‌نماید. با توجه به آن‌چه بیان شد، ارزشمندی شبکه‌های اجتماعی - به‌ویژه مجازی - حضور و وجود اطلاعات سیاسی و فراهم‌بودن بستر اظهار نظر و مشارکت افراد در واکنش به آن است. راهبرد جبرانی در این خصوص در مفهوم «شفافیت» نهفته است. هر چه در جوامع میزان شفافیت ساختار سیاسی و دسترسی جامعه مدنی به این‌گونه اطلاعات بیش‌تر باشد، نیاز افراد برای حضور در شبکه‌های مجازی جهت بهره‌مندی از ویژگی‌های فوق‌کم‌تر می‌شود. زیرا دنیای حقیقی، دسترسی‌های مناسب جهت کسب اطلاعات و مشارکت سیاسی را فراهم ساخته است. لذا راهبرد اساسی برای حکومت‌ها برای در امان ماندن از مشارکت سیاسی به شکل اعتراض‌های کور، شورش و براندازی متأثر از حضور در شبکه‌های مجازی آن است که نیاز اولیه‌ی آگاهی و شفافیت سیاسی را در سطح سیستم سیاسی از طریق نهادسازی و تنظیم قوانین بهبود بخشد. زمانی که هزینه‌ی مشارکت سیاسی در فضای حقیقی تعریف شده و فراگیر نباشد و با ضوابط سخت‌گیرانه و انقباضی این مشارکت در حداقل ممکن تعریف شود، این شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند که با کاهش هزینه‌ی مشارکت سیاسی فضای کنش‌گری مورد نظر را در اختیار کاربران قرار می‌دهند. لذا پیشنهاد راهبردی این پژوهش تقویت شفافیت ساختاری و نهادی است تا اثر ویژگی‌های مذکور کم‌تر گردد.

نتیجه

ایده‌ی کانونی پژوهش حاضر، بررسی میان شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان بر اساس یک مطالعه‌ی جامعه‌شناختی بود. نتایج نشان‌دهنده‌ی این امر هستند که بین دو متغیر، ارتباط معنادار و وثیقی وجود دارد. شبکه‌های اجتماعی هزینه‌ی ارتباط، تعامل و تبادل را بسیار کاهش داده و موقعیت‌های ارتباطی بسیار جذابی را برای افراد حاضر در این شبکه‌ها ایجاد می‌کنند. هنگامی که این مقوله به حوزه‌ی سیاسی مرتبط می‌شود، ما با افزایش سطح مشارکت سیاسی در میان کاربران این شبکه‌ها مواجه می‌شویم. این امر موجب می‌شود گروه‌های جدید سیاسی شکل بگیرند که خود و جامعه را ترغیب و تشویق به مشارکت می‌کنند و در سطوح مختلفی مشارکت سیاسی را به نمایش می‌گذارند. بسامد این امر، افزایش مشارکت مردم‌سالارانه بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که شبکه‌های اجتماعی آنلاین باعث تقویت سطوح پنج‌گانه‌ی مشارکت سیاسی، یعنی رأی‌دادن و شرکت در گزینش و انتخاب مسئولین سیاسی و اجتماعی (انتخاب‌کنندگی)، آزادی بیان و شرکت در تشکل‌های فعال سیاسی و نقد و ارزیابی عملکرد نهادها و مسئولین و ساختار حکومتی (نظارت سیاسی)، نامزدشدن جهت پُست‌ها و کرسی‌های سیاسی و فعالیت آزاد انتخاباتی (انتخاب‌شوندگی)، دخالت و مشارکت در تغییرات و اصلاحات درون‌ساختاری، و سرانجام اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادهای سیاسی می‌شوند. دانشجویانی که بخش قابل‌توجهی از شبکه‌ی ارتباطی خود را در شبکه‌های اجتماعی آنلاین تعریف کرده‌اند، مشارکت مدنی و سیاسی بیشتری را در سطوح پنج‌گانه‌ی فوق نسبت به کسانی که از این فضاها استفاده نمی‌کنند، دارند. به نظر می‌رسد که شبکه‌ها، حلقه‌ها و ارتباطات میان کاربران شبکه‌های اجتماعی آنلاین، مرزهای مشارکت مدنی را تقویت می‌کنند.

همچنین یافته‌ها نشان دادند که شبکه‌های افقی انبوه، تقویت همکاری درون‌گروهی را سبب می‌شوند. آن‌ها با دورزدن شکاف‌های طبقاتی، همکاری گسترده‌تری را پدید می‌آورند. هرچه ساختار سازمانی افقی‌تر باشد، موفقیت نهادی آن در اجتماع بیش‌تر خواهد شد. کنش‌گری در فضای مجازی از امکان تسری به فضای واقعی برخوردار است. این امر از طریق اطلاع‌رسانی سریع درباره مسائل جاری، انتقال نمادها و باورهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، و در نهایت با تشویق و ترغیب و تحریک احساسات، فرد را به کنش سیاسی می‌کشاند. درواقع، شبکه اجتماعی نیروهای اجتماعی بیرون‌مانده از متن تحولات



سیاسی را به متن کشانده و به نوعی حاشیه‌نشین‌های عرصه‌ی کنش سیاسی را قدرت بخشیده است. در این وضعیت، سیاست از حالت امری مربوط و محدود به نخبگان خارج شده و و تبدیل به امری عمومی می‌شود. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، سپهر عمومی را گسترش داده و ارتباطات و اثرگذاری و اثرپذیری را تسهیل کرده‌اند. تحت تاثیر این شبکه‌های اجتماعی، افراد بیش از پیش گروهی شده و به انسان‌های سیاسی تبدیل می‌شوند. به نظر می‌رسد منطق شبکه‌های اجتماعی، پیشرفت‌دادن انواع گفتمان‌های حاکم بر نظام سیاسی است. به علاوه، برخلاف رسانه‌های قدیمی کل‌گرا، شبکه‌های اجتماعی آنلاین دارای فضاهای عمومی هستند که همه‌ی افراد بتوانند در آن‌ها به گفت‌وگو مباحثه بپردازند.



منابع فارسی

- آقایی، د؛ صادقی، س.س و هادی، د. (۱۳۹۱). واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (اطلاع‌رسانی، سازماندهی و گسترش سریع تحولات)، در: فصلنامه روابط خارجی ۴ (۲). صص ۳۳-۷.
- تامپسون، ج.ب. (۱۳۸۰). رسانه‌ها و مدرنیته: نظریه اجتماعی رسانه‌ها. (م. اوحدی، مترجم). تهران: سروش.
- صدیق بنای، ه. (۱۳۸۷). آشنایی با شبکه‌های اجتماعی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای روزنامه همشهری.
- ضیایی پرور ح. و عقیلی، س.و. (۱۳۸۸). بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی، در: فصلنامه رسانه، ۲۰ (۴). صص ۴۲-۲۳.
- قوانلو قاجار، م. (۱۳۹۰). نظریه رسانه‌ها، کتاب ماه، ۱۴. صص ۵۱-۴۸.
- کاستلز، م. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای. (ا. علیقلیان و ا. خاکباز، مترجمان)، ج ۱، تهران: طرح نو.
- محمدی، ع.م. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و سنجش آن. تهران: نشر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- موتقی گیلانی، س.ا. و عطارزاده، ب. (۱۳۹۱). نقش و تاثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی مصر، در: پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲۷. صص ۱۹۱-۱۴۷.
- موسوی، س.ک. (۱۳۸۹). قدرت اجتماعی موبایل. تهران: نشر بهینه فراگیر.

منابع لاتین

- Almond, G. A. and Verba, S. (1963). The Civic Culture. Princeton: Princeton University Press.
- Becker, G. (1964). Human Capital. Chicago: University of Chicago Press.
- Burt, R. (1992). Structural Holes: The Social Structure of Competition. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Coleman, J. S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. The American Journal of Sociology. 94, S95-S120.
- Cottle, S. (2011). media and the Arab uprisings of 2011: research



notes. Cardiff university: Uk, sage pub.

Eltantawi, N. & Wiest, J.B. (2011). Social Media in the Egyptian Revolution: Reconsidering Resource Mobilization Theory, *International Journal of Communication*.

Granovetter, M. (1983). The Strength of Weak Ties: A Network Theory Revisited, *Sociological Theory*, 1.

Granovetter, M. (1973). The Strength of Weak Ties, *American Journal of Sociology*, 78.

Internet world stats. (2012). Facebook users in the world. From: <http://www.internetworldstats.com/facebook.htm> last accessed, 11/07/2013.

Katz, J., Ronald. E.R and Philip, A. (2001) The Internet, 1995-2000: Access, Civic Involvement and Social Interaction, *American Behavioral Scientist*, 45.

Lake, R.L. & Huckfeldt, R. (1998). Social Capital, Social Networks, and Political Participation, *Political Psychology*, 19.

LaRose, R., Eastin, M.S., & Gregg, J. (2001). Reformulating the Internet paradox: Social cognitive explanations of Internet use and depression, *Journal of Online Behavior*, 1&2. from <http://www.behavior.net/JOB/v1n2/paradox.html>.

Lévy, P. (1997). *Collective intelligence: Mankind's emerging world in cyberspace*. New York: Plenum.

Morozov, Y. (2011). *The Net Delusion: The Dark Side of Internet Freedom*, New York: Public Affairs.

Parry, G., Moyser, G. & Day, N. (1992). *Political Participation and Democracy in Britain*. Cambridge: Cambridge University Press.

Pénard, T. & Poussing, N. (2009). Internet Use and Social Capital: The Strength of Virtual Ties. From: <http://ssrn.com/abstract=760084> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.760084>.

Petersson, O., Hermansson, J., Micheletti, M., Teorell J. & Westholm,

- A. (1998). Demokrati och medborgarskap.
- Putnam, R. (1993). Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy. (R. Leonardi & R. Nanetti, Eds.). Princeton, N.J: Princeton University Press
- Putnam, R. (2001). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. Simon & Schuster Ltd.
- Putnam, R. D. (2000). Bowling alone: The collapse and revival of American community. NY: Simon Schuster.
- Quan-Haase, A., Wellman, B., Witte, J. and Hampton, K. (2002). Capitalizing on the Internet: Network capital, participatory capital, and sense of community. In B. Wellman and C. Haythornthwaite (eds.), The Internet in Everyday Life. Oxford: Blackwell.
- Reuter, C., Heger, O., & Pipek, V. (2013). Combining Real and Virtual Volunteers through Social Media. In T. Comes, F. Fiedrich, S. Fortier, J. Geldermann, & T. Müller (Eds.), Proceedings of the Information Systems for Crisis Response and Management (ISCRAM) (pp. 780–790). Baden-Baden, Germany.
- Rheingold, H. (1993). The Virtual Community: Homesteading on the Electronic Frontier. Reading, Massachusetts: Addison-Wesley.
- Rheingold, H. (2001). The virtual community: Homesteading on the electronic frontier (Rev. ed.). Cambridge, MA: MIT Press.
- Sajuria, J. (2013). Online Social Capital and Political Participation: Does the 'Online' Make Any Difference? EPSA Info: International Studies Association 2013 Annual Convention Paper.
- Seligson, A. (1999). Civic Association and Democratic Participation in Central America. A Test of the Putnam Thesis. Comparative Political Studies, 32(3).
- Verba, S., Schlozman, K. and Brady, H. (1995). Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics. Cambridge, MA: Harvard University Press.



Verba. S., Scholozman, K.L., Brady, H. & Nie, N.H. (1993). Race , Ethnicity, and Political esources: Participation in the United States, British Journal of Political Science, 23.

Wellman, B, et al. (2002). Does the internet increase, decrease, or supplement social capital?. American Behavioral Scientist, 45(3), pp. 436-455.

Valenzuela, S., Kim, Y. & Gil de Zúñiga, H. (2012). Social networks that matter: Exploring the role of political discussion for online political participation. International Journal of Public Opinion Research,24, 163–184. <https://doi.org/10.1093/ijpor/edr037>

Vuleta, B. (n.d). How Many Users Does Facebook Have. In: <https://99firms.com/blog/how-many-users-does-facebook-have/#gref>.





References

- Aghaee, D; Sadeghi, S. S. and Hadi, D. (2011). An examination of the role of internet and modern social media in the developments of the Middle East and Northern Africa (announcement, organization, and rapid developments). *Foreign Relations Quarterly* (4, no. 2), 7-33. [In Persian]
- Thompson, J. B. (2001). *Media and modernity: social theory of media* (M. Awhadi, Trans.). Tehran: Soroush. [In Persian]
- Sadiq Bannay, H. (2008). *Introduction to social networks*. Tehran: Hamshahri Newspaper, Center of Media Studies and Research. [In Persian]
- Ziaeparvar, H, and Aghili, S. V. (2009). A study of the penetration of virtual social networks among Iranian users. *Mass Media Scientific Quarterly* (4), 23-42. [In Persian]
- Ghavanlou Qajar, M. (2011). Theory of media. *Monthly Book* (14), 48-51. [In Persian]
- Castells, M. (2001). *Age of information: emergence of network community* (A. Aghilian and A. Khakbaz, Trans.). Vol. 1. Tehran: Tarh-e Now. [In Persian]
- Mohammadi, A. M. (2005). *Social capital and its measurement*. Tehran: Publications of the University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. [In Persian]
- Movassaghi Gilani, S. A., and Attarzadeh, B. (2012). Role and impact of the cyberspace on social movements: a case study of Egypt. *Research Letter of Political Science* (27), 147-91. [In Persian]
- Mousavi, S. K. (2010). *The social power of cellphones*. Tehran: Nashr Behineh Faragir. [In Persian]
- Almond, G. A. and Verba, S. (1963). *The Civic Culture*. Princeton: Princeton University Press.
- Becker, G. (1964). *Human Capital*. Chicago: University of Chicago Press.
- Burt, R. (1992). *Structural Holes: The Social Structure of Competition*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Coleman, J. S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *The American Journal of Sociology*. 94, S95-S120.
- Cottle, S. (2011). *media and the Arab uprisings of 2011: research notes*. Cardiff university: UK, sage pub.
- Eltantawi, N. & Wiest, J.B. (2011). Social Media in the Egyptian Revolution: Reconsidering Resource Mobilization Theory, *International Journal of Communication*.
- Granovetter, M. (1983). The Strength of Weak Ties: A Network Theory Revisited, *Sociological Theory*, 1.
- Granovetter, M. (1973). The Strength of Weak Ties, *American Journal of Sociology*, 78.
- Internet world stats. (2012). *Facebook users in the world*. From: <http://www.internetworldstats.com/facebook.htm> last accessed, 11/07/2013.
- Katz, J., Ronald. E.R and Philip, A. (2001) The Internet, 1995-2000: Access, Civic Involvement and Social Interaction, *American Behavioral Scientist*, 45.
- Lake, R.L. & Huckfeldt, R. (1998). Social Capital, Social Networks, and Political Participation, *Political Psychology*, 19.
- LaRose, R., Eastin, M.S., & Gregg, J. (2001). Reformulating the Internet paradox: Social cognitive explanations of Internet use and depression, *Journal of Online Behavior*, 1&2. from <http://www.behavior.net/JOB/v1n2/paradox.html>.
- Lévy, P. (1997). *Collective intelligence: Mankind's emerging world in cyberspace*. New York: Plenum.

- Morozov, Y. (2011). *The Net Delusion: The Dark Side of Internet Freedom*, New York: Public Affairs.
- Parry, G., Moyser, G. & Day, N. (1992). *Political Participation and Democracy in Britain*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pénard, T. & Poussing, N. (2009). *Internet Use and Social Capital: The Strength of Virtual Ties*. From: <http://ssrn.com/abstract=760084> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.760084>.
- Petersson, O., Hermansson, J., Micheletti, M., Teorell J. & Westholm, A. (1998). *Demokrati och medborgarskap*.
- Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. (R. Leonardi & R. Nanetti, Eds.). Princeton, N.J: Princeton University Press
- Putnam, R. (2001). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. Simon & Schuster Ltd.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. NY: Simon Schuster.
- Quan-Haase, A., Wellman, B., Witte, J. and Hampton, K. (2002). Capitalizing on the Internet: Network capital, participatory capital, and sense of community. In B. Wellman and C. Haythornthwaite (eds.), *The Internet in Everyday Life*. Oxford: Blackwell.
- Reuter, C., Heger, O., & Pipek, V. (2013). *Combining Real and Virtual Volunteers through Social Media*. In T. Comes, F. Fiedrich, S. Fortier, J. Geldermann, & T. Müller (Eds.), Proceedings of the Information Systems for Crisis Response and Management (ISCRAM) (pp. 780–790). Baden-Baden, Germany.
- Rheingold, H. (1993). *The Virtual Community: Homesteading on the Electronic Frontier*. Reading, Massachusetts: Addison-Wesley.
- Rheingold, H. (2001). *The virtual community: Homesteading on the electronic frontier* (Rev. ed.). Cambridge, MA: MIT Press.
- Sajuria, J. (2013). Online Social Capital and Political Participation: *Does the 'Online' Make Any Difference?* EPSA Info: International Studies Association 2013 Annual Convention Paper.
- Seligson, A. (1999). Civic Association and Democratic Participation in Central America. A Test of the Putnam Thesis. *Comparative Political Studies*, 32(3).
- Verba, S., Scholzman, K. and Brady, H. (1995). *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Verba, S., Scholzman, K.L., Brady, H. & Nie, N.H. (1993). Race, Ethnicity, and Political Resources: Participation in the United States, *British Journal of Political Science*, 23.
- Wellman, B, et al. (2002). Does the internet increase, decrease, or supplement social capital?. *American Behavioral Scientist*, 45(3), pp. 436-455.
- Valenzuela, S., Kim, Y. & Gil de Zúñiga, H. (2012). *Social networks that matter: Exploring the role of political discussion for online political participation*. International Journal of Public Opinion Research, 24, 163–184. <https://doi.org/10.1093/ijpor/edr037>
- Vuleta, B. (n.d). *How Many Users Does Facebook Have*. In: <https://99firms.com/blog/how-many-users-does-facebook-have/#gref>.